

متن پیاده سازی شده

بسم الله الرحمن الرحيم

دیروز ما کلام اخباری ها را در مورد (عدم حجیت ظواهر قرآن) از خود اخباری ها یعنی مرحوم استرآبادی نقل کردیم؛ به گفته صاحب حدائق مرحوم استرآبادی اول کسی است که این بحث را مطرح کرده است. مرحوم استرآبادی ابا ندارد از اینکه بگوید ظواهر قرآن حجت نیست چرا که در کلمات ایشان منع کبری دیده می شود البته کلام ایشان در این است که ظهور ظنی است و قابل تمسک نمی باشد؛ ایشان بین آیات الاحکام و غیر آیات الاحکام فرق نمی گذارد و حدیث ثقلین را شامل هر دو می داند.

نکته: ایشان تاکید می کند که قرآن مخاطب خاص دارد و این طور نیست که همه متوجه بشوند.

کلام ایشان: ومن جملتها انه تواترت الاخبار عن الائمه الاطهار بعدم جوازه معللاً بانه انما يعرف القرآن من خوطب به و بأن القرآن نزل علی وجه تعمیمه بالنسبه الی اذهان الرعیه.

دو نکته عرصه را بر سخن مرحوم استرآبادی تنگ می کند:

اشکال اول: ایشان می فرماید در مدارک استنباط نباید ظن راه پیدا کند. ما می گوئیم آقای استرآبادی، آیا احادیثی که شما به آنها استناد می کنید مگر قطعی است؟! با وجود تقیه و... اخباری که شما هم مراجعه می کنید ظنی است.

نکته دوم: بعضی وقت ها یک دلیل، ظنی است اما پشتوانه قطع دارد و اصولی ها هم می گویند ظنون با دلیل قطعی حجت شده است مثلاً وقتی اصولی به خبر واحد عمل می کنند به دلیل قطعی عمل می کنند؛ اصولی ها هم می گویند که به ظنی السند تنها یا ظنی الدلاله تنها نباید عمل کرد مگر اینکه انسدادی باشند (البته انسدادی هم از باب خیرالموجودین عمل می کند که آن هم به قطع بر می گردد).

استاد علیدوست: درست است که کلام استرآبادی ضعف دارد اما با مدعای ما هم، حرف استرآبادی ردّ نمی شود چرا که آنها در استدلال هایشان این بود که قرآن مخاطب خاص دارد و ما باید به اینها هم پاسخ بدهیم.

از شخصیت های که در این بحث سخن دارد مرحوم صاحب حدائق است؛ ایشان از شخصیت های است که کتابهایشان مورد توجه اصولی ها و اخباری ها واقع شده است؛ ایشان کتابی دارد به نام الدرر النجفیه من الملتقطات الیوسفیه... این کتاب را درنجف اشرف نوشته است و اسم خودش هم یوسف است.

ایشان اولاً اخباری ها را سه فرقه می کند و می فرماید اخباری ها نسبت به قرآن بین افراط و تفریط هستند؛ ایشان می فرماید صافی نویسنده تفسیر صافی بسیار از قرآن استفاده می کند و از ایشان به عنوان شخص افراطی یاد می کند؛ دسته دوم را تفریطی می نامد؛ کسانی که می گویند قرآن را فقط اهل بیت بیان کنند و خودشان را دسته سوم می نامد که حد وسط افراط و تفریط است.

بیان ایشان: اخبار رسیده در این مساله متفاوت است؛ برخی از اخبار تصریح دارد به اینکه فقط قرآن را اهل بیت باید بیان کنند و برخی از اخبار هم صراحت دارد در جواز استفاده مردم از قرآن... بعد ایشان می فرماید اخبار منع کثرت عددی و صراحت دلالتی دارد.

استاد علیدوست: آیا کثرت عددی روایات، مرجح محسوب می شود یا نه؟ آیا صریح بودن دلالت، یک مرجح در تعارض است یا نه؟

مثلاً آقای بروجردی کثرت عدد را مرجح می داند اما معمولاً آقایان ردّ می کنند و به نظر ما (استاد علیدوست) اگر بر اثر کثرت

عدد، قرار و اطمینان حاصل شود مرجح است و در غیر این صورت مرجح محسوب نمی شود.

صاحب حدائق: کثرت عدد و صراحت دلالت را مرجح به حساب می آورد.

در روایت من فسر القرآن برایه فلیتبعوا... صاحب حدائق می فرماید: مراد از این روایت این است: کسی که از سوی معصوم هدایت نشده باشد نباید قرآن را تفسیر کند و اگر تفسیر کند مصداق تفسیر به رای می شود. صاحب حدائق می فرماید: طبق تعبیر حدیث ثقلین، نه قرآن از اهل بیت جدا می شود و نه بالعکس و لذا قرآن را نمی شود بدن اهل بیت بیان کرد.

مرحوم صاحب حدائق تقریباً به تمام ادله اصولی ها اشاره می کند؛ از جمله ادله اصولی ها، روایتی است که می فرماید در تعارض دو خبر باید خبر را به قرآن عرضه کنید اگر موافق قرآن بود اخذ کنید و در غیر این صورت رد کنید. مرحوم صاحب حدائق می فرماید: ما این روایات را قبول داریم اما نکته ای هست: و آن اینکه مراد از عرضه، این است که قرآنی که توسط اهل بیت تفسیر شده باشد معیار است نه قرآن بدون تفسیر معصوم.

اشکال: این دیگر نمی شود عرضه به قرآن بلکه این عرضه به اهل بیت است؟

جواب صاحب حدائق: خداوند نهادی را برای تفسیر قرآن قرار داده است و آن نهاد، حضرات معصومین هستند و لذا وقتی اهل بیت در مورد آیه ای از قرآن نکته ای را بفرمایند، در واقع مفاد قرآن را بیان کرده اند نه اینکه کلام مستقل خودشان محسوب شود.

الحمد لله رب العالمین